

ایضاً

توقد نار لیس یطعی سعیرها
ولولا بعد الشمس احرق نورها

شکوت هوی من شف قلبی بعده
فقال بعدی عنک اکثر راحة

سعد روز دوشنبه ۱۵ یا ۲۵ صفر ۵۶۸ هجری قمری (شبح) در بغداد در گذشته و در مقبره ناب
حرب مدفون گردید و عمادالدین اصفهانی نیز ترجمهٔ حال سعد را در کتاب خریدة القصر
نگارش داده است

حطیری، نا حای بی نقطه و طای ناقطه، مسوب بموضع حطیره نامی است در
فوق بغداد که کثیری از علما بدان بست داشته و ثیاب حطیریه نیز از آنجا است و ایسکه
در قاموس الاعلام در حرف ح نقطه دار نیز عواش کرده اشتهاء است
(ص ۲۲۰ ح ۱ کا و ۲۰۵۱ ح ۳ و ۴۶۸۲ ح ۶ س و ۱۹۴ ح ۱۱ حم و عشره)

محمد امین - مفسر باستان، از شعرای معروف ترکی زبان قرن

دلسور

سیردهم آدر نایجان میباید که استاد میرزا سروش و میرزا مطهر

متوفی در اوایل قرن مذکور بود، دیوان او مشتمل ناشعار ترکی و فارسی است مکرر
در تریب حای سگی شده و از غریبات ترکی او است

نوله بیرال یته اول رلف مطرا الیمه	ملکه سر رسته دوشه عاشق رسوا الیمه
فیس بک کوه و بیابانده سرگردانم	بوحدی سر مرد الیمی تا و بره لیلی الیمه
حوح سعاد بدور عر بران اولایر فصل بهار	تیشنه دامر گل نلسل سیدا الیمه
بی شک و سسپه اولور هر ایکی دیاده عر بر	ویره گر یوسفی هر کیمسه رلیحا الیمه
گنه یورمین دل دیوانه بی رحیره و یروب	تایسور و بدور او ایکی رلف حایما الیمه

بیر از اشعار فارسی او محمّسانی است که در دیباجة دیوانش در هر بک از حروف بیست
و هست گانه زبان عربی محمّسی گفته است حایحه در حرف الف گوید

ار الف اول احد کاورا سرا باشد ثنا	اعام است واعظم است واکرم است او بر ملا
آنکه از صعبس پدند آمد حمیع ماسوا	ار عدم آورده آب و آس و خاک و هوا

آدمیرا داد نا آنها حسن بشو و ما

تا آنکه در حرفی گوید

یاء یار ما بحق سور پاک حیدری یا ناحمد پادشاه مسند پیمبری
یوسف آسا خواهم ارجاه عمم در آوری یوم حشرای دادرس بر عرشه محشربری
یاور دلسور شو بر حرمت آل عا

دیوان دلسور دومر سه در تریر چاپ شده، اغلب اشعارش ترکی و ارقمیل بوجه و یا مدیحه
اهل بیت عصمت ع میباشد (دیوان خود دلسور و اطلاعات خارجی)

دلقی هلال بن ابراهیم - مصطلح علم رجال است و رجوع بدانجا نماید

دلوی احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن دلویه - استوائی اشعری

شافعی، مکنی نابوحامد، معروف بدلوی، ادیبی است فاضل

که در فہون ادیبہ و عربیہ حطی وافر داشته، از طرف قاصی ابوبکر باقلانی در عکرا
قصوت نمود، شب سه شنبه بیست و هشتم ربیع الاول ۴۳۴ قمری (تلد) در بغداد وفات
یافت، در مقبره شویریہ دفن شد و ست او به دیہی استوا نام از قراء پیشاور است
(ص ۳۷۷ ج ۴ تاریخ بغداد)

دہامینی^۱

محمد بن ابی نکر بن عمر بن ابی نکر بن محمد بن سلیمان -
دہامینی محرومی القبیلة، اسکندری مصری الملده، مالکی المذهب،

بدرالدین اللقب، ادیبی است نحوی متبحر شاعر ماهر، در نظم و نثر و اصول خط و فہون
ادیبہ ہناری سرا داشته و ارتالیفات او است

۱- تحفة العرب فی شرح (حاشیہ ۱) معنی اللیب کہ سال ۱۳۰۵ قمری در حاشیہ
شرح سمنی در مصر چاپ شد و سه سحہ حطی آن بیر شماره های ۳۲۲۵-۳۲۲۷ در
کتابخانہ مدرسہ سدہ سالار حدید تہران موجود است ۲- حواہر المحور در عروض ۳- شرح
بحاری ۴- شرح تسہیل ۵- شرح قصیدہ حرز حہ ۶- شرح لامیة العجم ۷- شمس العرب

۱- دہامینی - بمع اول، دیہ بررگی است از صید مصر، در سمت شرقی رود نیل
کہ بہ جلسان و ساتن ساری مقبل مینشد (صد)

فی الرقص والمطرب که نسخه خطی آن در کتابخانه برلین موجود است ۸- عین الحیوة بلخیص
 حیاء الحیوان دمیری ۹- الفواکه الدرمة ۱۰- الفواقی ۱۱- مقاطع یا معاطیع الشرب
 ۱۲- نرول العیث که در کتاب شرح لامیة العجم صمدی است و نسخه آن در کتابخانه حدیوین
 مصر موجود است دمامینی سال ۸۲۷ یا ۸۲۸ هـ قمری (صکر یا صکح) در شهر کمر حای
 هند در هفتاد و سه سالگی مسموماً در گذشت (ص ۹۳۵ هـ و ۸۴۸ ت و ۸۷۹ مط)

دمشقی^۱

مصطلح علمای رجال است ، علاوه بر این	} حسن بن محمد	دمشقی	
چهار نفر ، محمد بن عبدالله و حمعی دیگر از		سعید بن سلمة	دمشقی
روایت و محدثین را بزرگویند و بر حمة حال		سعید بن هلال	دمشقی
ایسان موکول بدان سلام شریف است		عبدالله بن محمد	دمشقی
محمد بن ابیطالب - بعنوان شمس الدین محمد بن ابیطالب خواهد آمد		دمشقی	
محمد امین - بعنوان محیی خواهد آمد		دمشقی	
محمد حلیل - بعنوان مرادی خواهد آمد		دمشقی	
محمد بن عبدالرحمن - بعنوان خطیب دمشقی مذکور داستیم		دمشقی	

دمهوری^۲

احمد بن عبدالصغیر بن حمام یا یوسف بن حیام ، اهری مداهنی ،
 یعنی حمعی سافعی مالکی حبلی که سال ۱۱۰۱ هـ قمری (عنا)

دمهوری

- ۱- دمشقی - منسوب بدمشوق است و آن مکرر اول و فتح و کسر دانی شهری است معروف که قصه و کرسی بلاد شامات میباشد ، نام دانی خود دمشقی بن کعبان موسوم و با خود دانی آن علام حمسی دمشقی نام حضرت حلیل الله بوده است نوشته بعضی ، دمشق گفتم آن بجهت سرعت در بنای آن که دمشق برورن زلزله بفری سرعت در عمل است و بهر حال بعضی از منسوبین آن را تذکر میدهد
- ۲- دمهور - یا دوفوحه ، شهری است متوسط در حوالی اسکندریه سر راه مصر ، بئر دهبی است مسافت چند میل از قسطنطین مصر که این را بوسیله مرآصد دمهور السمنند گویند

در دمیهور وحش متولد شد، در کودکی از پدر یتیم ماند، در همان حال شعر باهر رفته و تحصیل علم پرداخت، برای انجام این مرام مسافرتها کرد، در معرفت فنون عربیه حافظه عجیبی داشت، از علمای مدها اربعه مجاز بوده بعد از وفات شیخ حمی ریاست مدهی جامع اهر، بدو منتهی شد، در اثر حق گوئی حکام و امرا از وی میترسیدند و تألیفات نافع دارد

۱- ایضاح المبهوم من معانی السلم در منطق که شرح کتاب سلم اصری اس و در مکه و فاهره چاپ شده اس ۲- ایضاح المشکلات من متن الاستعارات ۳- حلة اللب المصون شرح الجوهر المکنون در علم بلاغ که در مصر و فاهره چاپ شده اس ۴- سبیل الرشاد الی نبع العباد در مواعظ که در فاهره و اسکندریه چاپ شده اس ۵- شرح اوفاق قلب القرآن احمد در سال ۱۱۹۲ ه قمری (عقصب) در گذشت (ص ۸۸۲ مط و ۱۱۷ ح ۱ سلك الدرر) شیخ محمد - شافعی، از اکابر مدرّسین جامع اهر بوده و

دمیهوری
تألیفاتی دارد

۱- ابیات فیمن یحب الایمان بهم من الرسل مع ترتیبهم فی الارسال که ناسه کتاب دیگر در مصر در یکجا چاپ شده اس ۲- الارشاد الشافی علی متن الکافی که معروف بحاشیه کبری بوده و در مصر و قاهره چاپ شده است و آن شرح کافی احمد بن عناد بن شعیب در علم عروض و قافیه است ۳- الحاشیه الصغری علی متن الکافی که بمحتصر شافی معروف و بارها در قاران و مصر و قاهره چاپ و شرح دیگر همان کتاب کافی مذکور است ۴- الحاشیه الکبری علی متن الکافی که در رسد دوم مذکور است ۵- شرح الکافی ۶- المحتصر الشافی علی متن الکافی و این هر دو همان حاشیه صغری مذکور است و در سال ۱۲۸۸ ه قمری (عرفج) در گذشت (ص ۸۸۳ مط)

دمیاط

احمد بن محمد بن عبدالعسی - شافعی، دمیاطی المولد و المشأ،

دمیاطی

مشهور به سآ (با شدید) در مولد خود شهر دمیاط بررگ شد،

*حسابچه اولی را محکم طاهر کلام معجم المطبوعات دمیهور الوحس نامند و بعضی از موصوفین مسست دمیهور را که طاهرأ همان اولی است مسگارد

۱- دمیاط - نوشته مراصد (بدون صبط حر که) سهری است قدیم مابن مصر و تیس *

پیش مشایخ آنجا تحصیل علم پرداخت ، پس بحجاز و قاهره رفت ، در علم حدیث و اکثر فنون دیگر مقامی عالی رسید و قدم سیر و سلوک و تحریر گداشت آخرین کسی است که در تشیید صافی طریقت نقشه مدینه رحبهای سیاری را متحمل شد تا سال ۱۱۱۷ هـ قمری (عقیر) درگذشت و از تألیفات او است

- ۱- اتحاف البشر فی الثرائات الاربعه عشر که کثرت اطلاعات علمی و قدرت فصلی او را بهترین دلیل است و طاهر معجم المطبوعات آنکه چاپ شده است ۲- اشراط الساعة
- ۳- اتحاف و صلاء البشر بالثرائات الاربعه عشر که گاهی به منتهی الامانی و المسرات فی علوم الثرائات
- بیر موسوم است در مصر چاپ شده و طاهر کلام معجم المطبوعات آنکه این کتاب غیر از اتحاف البشر مذکور است ۴- منتهی الامانی که مذکور شد (ص ۸۸۵ مط)

دمیاطی عثمان بن محمد - بعنوان سکری نگارش یافته است

دمیاطی شیخ محمد - بعنوان حصری مذکور شد

دمیاطی محمد بن محمد - در ضمن ترجمه حال شرف الدین اسمعیل اشاره
حواهد شد

دمیری

دمیری محمد بن مردان - مکسی نابوالعباس ، ادیبی است مورخ لغوی

فاصل بلیغ ، ارمساهر مترجمین که ریاده از پنجاه کتاب پارسی

را عربی ترجمه کرده و از مصنفات او است

۱- الحاوی فی العلوم الثرائیة ۲- الحماسة ۳- وصف السیف و العلم ۴- وصف

الفارس و الفرس و غیر اینها سال ۳۰۹ هـ قمری (نظ) درگذشت (ص ۵۲ ح ۱۹ حم)

* که هوایس صاف و ارسر حداب اسلام بوده و رود نل از سمت شمالی آن شهر بدریا می ریزد

پهنائی نل در آنجا مقدار صد ذراع می ناسد و در اینجا بعضی از فصلاهی منسوب بدانجا را تذکر میدهد

۱- دمیری - صبح اول ، منسوب است بدمره و آن نام دوقریه نررگی است درمقابل

یکدیگر در ساحل رود نل در سر راه دمناط و بردک آن و بعضی از موصوفین بهمین نسبت را

تذکر میدهد

محمد بن موسی بن عیسی بن علی - شافعی المذهب ، کمال الدین

دمیری

اللقب ، ابوالنقاء الکیة ، مصری دمیری الولادة ، اراکار علما

و فقهای شافعیه میباشد ، در ندایت حال در رشته حیاطی مشغول تکسب بود ، پس مشمول توفیقات خداوندی گردیده و از شهاب الدین سسکی و شیخ جمال الدین اسوی مراتب علوم و معارف را فراگرفت ، در تمامی فنون متداوله مهارتی سرا یافت ، در عادت و تلاوت حطی وافر داشت ، اصلا لباس فاخر نمی پوشید و ریر بار قضاوت نمیرفت و از تألیفات او است

۱- الجوهر الثمیر فی علم التوحید ۲- حیاة الحیوان که اریابصد ، ششصد کتاب و

یکصد و بود و به دیوان اشعار عرب تألیف داده است ، فواید بسیار طیبی و ادبی و فقهی و حدیثی را حاوی میباشد ، سام کبری و صغری دو سجده اش کرده ، در کبری تاریخ و تعبیر حواب را بیر افروده است و مشتمل بر ترجمه حال جمعی از شعرا و ادبا و فلاسفه و علما و حلقا بوده و مرتب بحروف معجم در اسامی حیوانات میباشد ، بارها در ایران و استانبول و مصر و قاهره چاپ شده و ترجمه انگلیسی قسمت عمده آن بیر در لندن و بمبئی بطبع رسیده است این کتاب مشهور هر دیار و مرجع استفاده اکابر فصلا و دانشمندان میباشد ۳- الدیناچه فی شرح سنن ابن ماجه ۴- شرح منہاج نووی دمیری سال ۸۰۸ هـ قمری (صح) در قاهره وفات یافت ، ولادت او سال ۷۴۲ یا ۷۴۵ (دمب یا رده) یاد در حدود ۷۵۰ (د ن) قمری بوده است

(ص ۱۳۶ هـ و ۷۴۷ ب و ۴۴۷ ح ۳ فع و ۲۱۶۳ ح ۳ ن و ۸۸۷ مط)

نام کمیرك ابن کناسه میباشد و در باب کمی در ضمن ترجمه حال

د ناسر

ابن کناسه خواهد آمد

ابراهیم بن حسین - بعوان حوی جاح میرزا ابراهیم مدکور شد

د نلی

محمد بن وهبانه موافق نوشته بقیع المقال ، در بعضی از نسخ

د نلی

حرف ثانی این بعوان نوی و ثالثس ب ابجدی است و ماهم بعوان

دنبلی نگارش دادیم و بهر حال ترجمهٔ حال و تحقیق لفظ این عنوان موکول بکتب رحالبه است
 احمد بن حسین بن سعید بن حماد - اهواری ، ملقب بدندان ،
 دندان
 مکنی یا جوهر از موالی حضرت سجاد ع میباشد ، حال او
 در میان علمای رحال محل بحث است ، دندان لقب حدّث سعید هم بوده و بهمین جهت
 در کلمات بعضی از علمای رحال بعبارت حسین بن دندان نیز مذکور و تحقیق مراتب بکتب
 رحالبه موکول است

حس بن ابی الحسن محمد - در ضمن ترجمهٔ عمیدالدین محمد بن
 ابی جعفر خواهد آمد
 دندان

عبدالله بن علی - مکنی یا بوعلی ، از محدّثین قرن سیم هجرت
 میباشد ، کتابی در احکام نجوم تألیف داده است بگارینده گوید
 مدارک خصوصی از نظرم رفته و طاهراً و پرست ابن السّدیم است

لف احمد بن علی قمی - که شرح حالش موکول به نام رحال است
 دوار

منصور یا عبدالله یا عبدالله - بعنوان منصور دوانقی خواهد آمد
 دوانقی

دوان

محمد بن اسعد یا سعد یا سعدالدین اسعد - کارروبی دوانی صدیقی ،
 دوانی
 یا خود نامش محمد اسعد پسر سعدالدین اسعد است که عبارات
 ارباب تراجم مختلف بوده و اولی مشهورتر میباشد ولیکن بردیدی در وحدت و یکی بودن
 مستقی بوده و این اختلافات ناشی از مسامحهٔ اهل عرف در ذکر اسامی است چنانچه
 در همه جا و در هر زمان متداول و معمول بلکه يك حال طبیعی است که بیشتر با تحفیف

۱- دوان - سوشتهٔ مرآصد ، با فتح و تشدید ، ناحیه است از بلاد فارس و بص اول
 ناحیه ایست در عمان در ساحل دریا ، در معجم المطبوعات ضمن شرح حال حلال الدین محمد بن اسعد
 گوید دوان (بدون صبط حرکت) یکی از دهات کارروان است ، در روایات سر در شرح حال
 حلال الدین مذکور گوید دوان برورن هوا (یعنی با فتح و تحفیف) دهبی است از قرا و کارروان فارس

و بحریف استعمال نمایند بهر حال محمد بن اسعد کاررونی دوانی حکیمی است کامل ، متکلمی است فاضل محقق مدقق شاعر ماهر منطقی صدیقی که در تمام علوم متداوله خصوصاً در عقلیات تقدم داشت و مرجع استفاده افاضل روم و خراسان و ترکستان و ار



نمونه خط محمد دوانی - ۱۴

قطعه مرثیه را در آخر نسخه کتاب شرح کافیة نحو رسی اسرآبادی نوسه و نسخه مدکور سال ۸۵۶ نوسه شده و در کتابخانه شخصی فنیست آقاي حاج ميرزا باقر فاسي آبي المرحومه موجود است

مشاهیر علما و حکمای عهد سلطان ابوسعید بيموری و علامه دوانی مشهور و مدتی متصدی قضاوت فارس بود ، بسش نابوکر حلیفه موصول میشود ، از احفاد محمد بن ابی بکر میباشد . بالجملة در کلام و حکمت و اخلاق طاق و شهره آفاق است ، در بدايت حال شافعی مذهب بود ، عاقبت شیعه و مستنصر گردید ، بعضی از اشعار و تألیفات او بیر دلیل صریح همین موضوع میباشد . سب آن موافق بعضی از کتب تراحم آنکه ، موقع تألیف حاشیه سومی بر شرح تحریر قوشچی که در مطالب عمیقه عوررسی می کرده مشمول توفیقات خداوندی گشت ، در نفس خود اندیشید که اگر حدش ابوبکر صدیق ، در قید حیات میبود اصلاً چیری از آن مطالب علمیّه و دقائق حکمیّه را نمی فهمید و کسی که این چنین باشد چگونه لایق مقام خلافت و امامت در امور دینیه میباشد اینک در باره حاواده رسالت که با قطع نظر از دیگر فصائل انسانی مراتب علمیّه ایشان مسلم تمامی چنان بیان میباشد مستنصر گردید . تألیفات دوانی از صد فقره متجاوز بوده و بعضی از آنها را میگارد

سورة الحمد (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) ۱۴- توير المطالع حديد ۱۵- توير المطالع قديم و این هردو کتاب حاشیه حاشیه قدیم و حديد مرصداالدين دشتکی بر شرح مطالع قطب الدين راری است چنانچه سوير المطالع قديم حاشیه بر حاشیه قدیم دشتکی و حديد دشتکی بوده و هردو حاشیه دشتکی متعلق شرح مطالع قطب الدين راری است ۱۶- التوحيد ۱۷- الحر والاحتیاز ۱۸- حاشیه تحرير العوائد المنطوية فی شرح السمسية و این کتاب بحریر، همان شرح قطب الدين راری شمسية بحم الدين کاتبی است و با چند حاشیه و شرح دیگر در استامبول چاپ شده است ۱۹- حاشیه تهذيب المنطق که در ریر نام شرح تهذيب المنطق مذکور است ۲۰- حاشیه احد، بر شرح تهذيب قوشچی چنانچه در دیل ضمن حاشیه قدیم اشاره خواهد شد ۲۱- حاشیه حديدیه بر شرح تهذيب قوشچی ۲۲- حاشیه قدیمه بر شرح تهذيب قوشچی و در فوق در بیان سب استنصار دوانی معلوم شد که شرحی سیومی بر شرح بحریر دارد و در دريعة آن را بر شرح احد موسوم داشته و گوید هردو شرح احد در کتابخانه رسوئیه موجود است و نوشته معجم المطبوعات حاشیه شرح قوشچی در استامبول چاپ سگی شده و معلوم نیست که کدام يك از این سد شرح است ۲۳- روراء در حکمت که در قاهره چاپ شده است ۲۴- شرح تهذيب المنطق که نامس العجالة است و در لکناهور با چند رساله دیگر یکجا چاپ شده است ۲۵- شرح العوائد العصدية که در استامبول و تتر نورگ چاپ شده است ۲۶- شرح هياكل النور شهاب الدين يحيى بن حش سهروردی ۲۷- العجالة که همان شرح تهذيب مذکور است ۲۸- لوامع الاشراف که همان احلاق حلالی مذکور فوق است ۲۹- نور الهداية که طبع شده و از ادلته شیخ و استنصار او است و غیر آنها دوانی اشعار بحر و طرفه می گفته و بقایي بحلص می کرده و از او است

وانگه شمار بیاتش بسدد
إذ قال آلؤه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

فانی الفاست احد از او حوی مند
بگر که علی است فالعلی سرالله

ایضا

شسو سخن لطیف و شیرین و ملعر
افکند سه پوست با برون آید معر

آن خار حلیه ای که دیدی همه بحر
سدام حالفت از بی گذردش حو

بیر در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گوید

ای مصحف آفات الهی رویت
وی سلسله اهل ولایت مویت
سرخشمة زندگی لب دلجویت
محراب نماز عارفان ابرویت

ایضاً

خورشید کمال است سی ماه ولی
گر بیسهای در این سخن میطلبی
اسلام محقق است و ایمان علی
سگر که ریسات اسما است حلی

ایضاً

سور فطرت خود میروم در ره عشق
اگر چه نور خدا شامل است یکسان نیست
حراع خاطر دوز همتان چه نور دهد
به هر حال که تویی صدای چو طور دهد

ایضاً

مرا نتحربه معلوم شد در آخر حال
در روایات الحیات گوید گمان دارم این رباعی سر از اشعار انکار او است
در شأن علی آیه سیار آمد
آن کس که شید و دید مقدار علی
که قدر مرد بعلم است و قدر علم نماند
یارب که شید و کی خردار آمد
حرف مقطعات ستار آمد

نگارنده گوید این مصراع آخری، اشاره باین است که اسم مقدس حضرت علی ع و
حقانیت آن بر رگوار در حرف مقطعه قرآنی مرمر و مستور است و بعد از اسقاط مکررات
آنها جمله صراط علی حق نمسکه بر میآید **حشرنا الله مع شیعته واحبته** وفات دوانی
مابین سالهای ۹۰۲ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۱۸ و ۹۲۸ هجری قمری (طب - طر - طح - - طیح - طکح)
میان ارباب تراحم مرود میباشد و یکی از دوانیج دومی و سومی ارباب بصحت است
اسکه احمد رفعت ناریج وفات دوانی را ناریج هندسی ۹۷۰ (بهد و هفتاد) نوشته اشتباه
بوده و یا از اعلاط جانحانه میباشد که دورقم ۰ و ۷ را معتم و مؤخر کرده و در اصل مطابق
ناریج دویمی فوق بوده است

ص ۱۶۲ و ۱۳۶ هجری و ۱۸۲۴ ح ۳ و ۲۴۸ ح ۲ و ۱۶۷ و ۱۳۳ هجری و ۳۰۹ عم و محلدات در بعة

دو ابیتی منصور - یا عبدالله یا عیدالله بعدوان منصور دوانی خواهد آمد

دوری **صمّ اوّل** ، در اصطلاح رحالی ، احمد بن عبدالله بن احمد وراق و جعفر پسر محمد یا علی بن سهل دقاق میباشد و ترجمه حال ایشان در رحال است و نسبت آن بمحلّه ایست در بغداد و یکی دیگر در پشاور و شهری است در احوار و دوقریه در بردیکی تکریت

دورِیست^۱

دورِیستی **جعفر بن محمد بن احمد بن عباس بن قاهر** - دورِیستی راری، مکنی نام عبدالله ، از اکابر مشایخ و علمای امامیه میباشد، از حائزین علم و فضل بود ، سبش بحدیقه بن یمان صحابی از اعظم اصحاب حضرت رسالت ص موصول میشود ، عدل و ثقه و حلیل القدر و عظیم الشأن و کثیر الروایة است ، معاصرش شیخ طوسی (متوفی سال ۴۶۰ هـ قمری تس) در کتاب رحال خود توثیقش کرده و وزیر روش صمیر ، حواحه نظام الملك، در هر دو هفته يك مرتبه برای استفاده از برکات انعام قدسیّه اش بدورِیست می رفته است

او از صدوق بواسطه پدرش وارمفید و سید مرتضی و سید رضی میر نالا واسطه روایت نموده و ارتلامده ایشان است شادان بن حرثیل، محمد بن ادریس حلی، سید مرتضی بن داعی و بعضی دیگر از احلّه میر از وی نالا واسطه روایت می کند چنانچه ظاهر بعضی از ارباب تراحم است بهرموده بروحردی روایت اس ادریس از وی گاهی بيك واسطه و گاهی با بیشتر از بيك واسطه میباشد وار مصنفات او است

- ۱- کتاب الاعتصادات ۲- کتاب الرد علی الريدية ۳- کتاب تکفایة فی العبادات
- ۴- کتاب يوم وليلة و غیر اینها سال وفاتش مصوط بوده و لکن از رحال قرن پنجم هجرت بوده است (کتاب رحالیه وص ۱۳۶ هـ و ۱۴۴ ت)

۱- دورِیست - صم اول و فتح رابع و سکون باقی، دیهی است از ری، حرف رابع آن ما بر آنچه از معجم طبری نقل شده می حطی و بنا بر منقول از معجم البلدان با احد میباشد بهرحال همان است که در این زمان تحریف یافته و درشت یا ترشت گویند (با دو فتحه) و بعضی از مسوین آن را تذکر میدهد

حس بن جعفر - دوریستی فوق‌الترحمه ، فاضل حلیل و با فزون
دوریستی

فصل و کمال مشهور بود و گاهی شعر هم می‌کرده و اراو است
بعض السولی علامة معروفة
کتبت علی جنهات اولاد الرنا
من لم یوال من الانام و لسه
سیان عند الله صلی اوری

این جمله از کلام هدایت انعام حضرت صادق ع اقتباس شده که فرماید سَوَاءٌ مِنْ خَائِفٍ
هُدَى الْأَمْرِ صَلَّى أَوْ رَفِيَ رِمَانٍ وَفَاشٍ مَصْطُوطٌ بُوْدَهِ وَ لَكِنْ أَرَّحَالَ أَوْ أَحْرَقُونَ بِحَمِّ بُوْدَهِ
و یا خود قرن ششم را بیز درک کرده است (ص ۹۹ لس و کتب رحالیه)

عند الله بن جعفر بن محمد بن موسی بن جعفر - دوریستی ، مکتبی
دوریستی

نام محمد ، ملقب به محمد الدین ، از فقهای شیعه امامیه می‌باشد
که عالم فاضل صالح صدوق حلیل‌القدر بود ، سب خود را بحدیقه بن زمان منتسب
می‌داشت ، در سال پانصد و شصت و ششم هجرت بغداد رفته و بشر احادیث امامیه پرداخت
و اخیراً بار شهر خود برگشته و اندکی بعد از ششصد هجرت وفات یافت
(کتب رحالیه)

ابو حامد - هروی المولد و المشأ ، از عرفای قرن چهارم هجرت
دوستان

می‌باشد در میان اس طبقه برهد و تقوی معروف بود ، خون سمار
می‌ایستاد عظمت پروردگاری حیا مستولیش میشد که بمحرر دگفتن الله پيس ار آ نکه آکمر
گفته باشد بیهوش میافتاد اسم و سال وفاتش بدست نیامد
(ص ۲۵۸ ح ۲ مه)

دوسی

مصطلح علمای رحال می‌باشد و برحمه حال اسان مو کول بدان علم سریف است	$\left\{ \begin{array}{l} \text{اناس بن عبدالله} \\ \text{ایاس بن عبدالله} \\ \text{حمزة بن ابی حمزة} \end{array} \right.$	دوسی
		دوسی
		دوسی

۱- دوسی - در تفسیر المقال ، ضمن ترجمه ایاس بن عبدالله گوید دوسی ، تفسیر اول ،
مسوب بسخص دوس نامی یدر یکی ارضع و طون قسلة ارد بود و او عبارت از دوس بن عدنان
بن زهران بن کعب بن حارث بن کعب بن عبدالله بن نصر بن ارد است در اسحا بعضی از
معروفین همین سبت دوسی را تذکر سدهم

علی بن حسن - مصری نحوی لغوی ، موصوف بهائى ، معروف

دوسى

دوسى ، مذهبى يکى از قائل عرب است ، اصول علم نحورا

از بصرين احمد نمود و لکن عقیده نحويين کوفه بوده و از تألیفات او است

۱- الفريد ۲- محرد العرب در عرائب کلام عرب بروش کتاب العين حليل

۳- المصدا سال وفات و مشخصات ديگرش بدست يامد بلى پيش از زمان ابن النديم؛

متوفى سال ۳۸۵ هـ قمرى (شعبه) که اين بر حمله از اوست بوده و نا از معاصرین وی میباشد

از ياقوت حموى نقل است که خط او را در روى کتاب مصدا خود او که سال ۳۰۷ هـ ق

نوشته بوده دیده است دوسى نکراغ السمل بىر شهرت داشت که بجهت کوچکی حشه

دارای اين لقب بوده است ريرا که کراغ در اسان نائين تر از رابو و در حار پايان پائين بر

از کعب را گویند (ص ۱۲۴ و ۴۷۳ و عمره)

دولاب

محمد بن احمد بن حماد بن سعد - انصارى رازى دولابى ، مکتبى نابوشتر ،

دولابى

معروف نابوشتر دولابى ، از علمای حديث و حبر وارد اشمندان

نواريح وسير بود در تاريخ مواليد و وفات علما مصنفات بسيارى دارد که محل رجوع

و استعادة اهل فن میباشد و از آن جمله است

الکنى والاسماء من رجال الحديث که سال ۱۳۲۲ هـ قمرى در حيدرآباد دکن حاب

سده است وى سال ۳۱۰ يا ۳۲۰ هـ قمرى (شى نا شك) در موضع عرح نامى درمیان مگه

و مدینه وفات يافت و ولادش در سال ۲۲۴ (رکد) بوده است

(ص ۸۵ ح ۲ کا و ۲۹۲ مط)

محمد بن صباح - هراتى الاصل ، بعدادى المسکس ، مکتبى

دولابى

نابو حعفر ، از محدثين عامه میباشد که علم حديب را از حمعى

۱- دولاب - بفتح و صم اول ، ديهى است در رى ويکى ديگر در چهار فرسجى احوار

و هم موضعى است در شرقى بعداد که آن را دولاب مبارک گویند و يکى هم در وادى مرو که دوکاب

حارن نامند و بعضى از مسوئين آن را (دولابى) مسگارد

سیار احد کرد، احمد بن حنبل و پسرش عبدالله و بعضی دیگر نیز از وی روایت کرده‌اند و سال ۲۲۷ هـ قمری (رکر) در بغداد درگذشت (ص ۲۲۱ ح ۲ ص)

دولب آبادی شهاب‌الدین بن شمس‌الدین - بهمین عنوان خواهد آمد

دولب نازحنگ میرزا نصرالله خان - بعنوان فدائی خواهد آمد

عمر بن جعفر بن محمد - بعنوان رعفرانی خواهد آمد **دوست آن**
دومی

بمحلّه دومه نامی از کوفه یا ندیبه دومی نام از عوطه دمشق و ناموصعی موسوم بدوم‌الایاد و ناموصعی دیگر موسوم بدومه حمت و ناموصع دومه الحنبل نامی از توابع مدینه در هفت مرلی دمشق میباشد و این موصع همان دینه مذکور عوطه است

لقب بشیر، علی بن صالح، یسر و جمعی دیگر میباشد و شرح
دهان

حال ایشان در علم رجال است

دهجدا ابوالمعالی - راری، از شعرای عهد صلاحه میباشد، نا حکیم

سائی و مختاری عربوی معاصر، علو طبعش از اسعارس طاهر

و در فصل و کمال در زمان خود نادر بود و از اشعار او است

ماه است برا چهره و مشک است ترا رلف	سرو است برا قامت و سیم است ترا بر
تا رلف و حط و لعل بو و چشم بو ای دوست	در خاطر و معنی شده در صورت و دفتر
خاطر همه مر جان شد و معنی همه لؤلؤ	صورت همه معنی شد و دفتر همه عیبر
حور در است آن رلف برار عصر تو می	ورسد است آلوده حرا گشت بعسر
ای کرده تمه عین من ای رلف بت من	عیشی شماسم بجهان ران بو حوستر
ریرا که برا مسکن از آن چهره ریما است	ریرا که توئی ساکن آن عارض دلیر
همواره حوری ران لب نوشین می سوری	پیوسته حمی ران رح رنگین گل احمر
در رقص بدان لاله سیر آب رسی نای	در خواب سر آن سوس آزاد بهی سر

میرزا علی اکبر خان بن جان ناناخان بن آقاخان بن مهرعلی خان بن

دهجدا

رستم خان بن سیدالله خان - قزوینی الاصل، بهرانی المولد

والمسکن ، از افاضل ادبا و اکابر دانشمندان عصر حاضر ما میباشد، شرح حال احتمالی آن دانشمند بگانه را موافق تقرر برات خودشان ست او راق میماند در او احر سال ۱۲۹۸ هـ قمری (عصر صبح) در بهران متولد شد ، در ایام صغر بعد از فوت پدر تحت تربیت مادر که از خانواده حلیه اصیله بوده نشأت یافت ، بعد از تحصیل مقدمات لارمه و ادبیات فارسی و عربی مقداری کافی از فقه و اصول و منطق و حکمت و کلام را نیز از افاضل اهل فن فراگرفت ، سال ۱۳۱۷ هـ قمری (عش بر) تقریباً دو سال در مدرسه سیاسی تحصیلات مقتضیه برداشت ، سپس سمت مسی گری ، با معاون الدوله سعیر دول حمسه بالکان یسرو رح جان امیر الدوله کاسی سوکارست رفت ، بااصله دو سال باز با بران مراجعت نمود و با طلوع مشروطیت و تبدیل حکومت استبدادی بحکومت ملی مصادف و عهده دار نگارندگی روزنامه صور اسرافیل گردید ، هر شماره از آن روزنامه دارای یک مقاله حدی در اول و یک مقاله فکاهی در آخر ، همه آنها از اول تأسیس روزنامه با بحال آن که در شماره (۳۲) وقوع یافته بقلم خود صاحب ترجمه بوده است ، فقط سرمقاله اول یکی از شماره های آن بقلم آقای سید حسن نقی راده بوده و هر دو مقاله شماره (۲۰) آن بقلم میرزا حیاگیر جان مرحوم میباشد کسانی که سلیقه و علم و نگارش اشخاص آشنا هستند بعد از تعمق در اسلوب تنظیم الفاظ و ربط معانی ، تعدد نگارنده را بهتر سنجین میبایست داد پس آنکه مجلس شورای ملی نامر محمد علی شاه سته سد صاحب ترجمه و آقای نقی راده و سید عبدالرحیم حلجالی و مدبر روزنامه حمل المتین بهران ماروما تبعید شدند و صاحب ترجمه در شهر ایوب در دو از بلاد سوئس سه شماره دیگر از آن روزنامه را منتشر نمود پس با استانبول رفته و روزنامه دیگری نیز در آنجا نام سروس سر داد ، بعد از آنسار چهارده شماره از آن ، در دوره دوم مجلس شورای ملی از طرف اهالی کرمان و بهران سما سدی مجلس منتخب شد ، از آن رو با بران مراجعت و بااصله چند سال نیز باست دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران منصوب گردید با آنکه سه چهار روز بعد از استعفای شاهسپاه فقید (رضا شاه پهلوی) بهر منظوری که بوده از طرف حکومت وقت معرول شد ، در رقیه ادوار

زندگانی خود ار همه قطع علاقه کرده و گوشه‌اندوزی و وحدت را سطر سعادت اندی تلقی نمود، تا حال که مهر ماه ۱۳۲۷ شمسی وری الفعده ۱۳۶۷ قمری هجری (عش کر - عش سر) است، تألیف و چاپ تألیفات چندین ساله قبل اشتغال دارد

۱- امثال و حکم که امثال فارسی و هم‌حین عربی متداول در میان فارسی زبانان را با شواهد نظمی و نثری بطور استقصا حاوی در چهار جلد صحیم در تهران چاپ شده است

۲- ترجمه روح القوائین موسکیو ۳- ترجمه علل انحطاط و ترقی موسکیو ۴- لغت نامه که بمثابه دائره المعارف ایرانی بوده و تمامی لغات پارسی و الفاظ بیگانه مستعمل در پارسی و اصطلاحات علوم متنوعه متداوله و شرح حال رجال و اکابر هر طبقه را بتربیب حروف هم‌حاوی میباشد تا حال حرف ک (مثلث) آن در یک مجلد شصت صفحه حللی نیم ورقی و یک مجلد پانصد صفحه‌ای بهمان تربیب بیر از حرف پ (پارسی) و سه مجلد بهمان مشخصات هم از حرف الف ممدوده تا الف تا حرف ح (حج) در تهران از چاپ درآمده و الآن مشغول چاپ بقیه آن میباشد محمی نماید که همین لغت نامه از حرف الف تا حرف ی بالتتمام در مدت چهل سال عمر عزیز صاحب ترجمه، بصورت فیش و یادداشت در حدود سه میلیون ورقه نوشته و مرتب و الفبائی شده در کما بحاجه شخصی اس حاضر است توفیق بحریح و چاپ بقیه آن را که خدمتی بزرگی بعالم علوم و معارف است از درگاه خداوندی خواستار است صاحب ترجمه علاوه بر خدمات عامی مدکوره اغلب دواوین پارسی و بعضی از کتب نثری را بیر واحد سائب خود تصحیح کرده و در کما بحاجه اش موحود میباشد، انتهی

محمود بن محمد - مکنی بابوه محمد، متخلص بعبانی، معروف

دهدار

دهدار، در جهر و اعداد و علوم عربیه دستی توانا داشت و رساله‌ها

در آن مهاسد نگاشته است

۱- جامع الفوائد در علم حروف ۲- حواهر الاسرار ۳- سجدل که منظومه است

۴- معاتج المعالق در حافظیه شیراز و یا دارالسلام آن بنده مدفون است، سال وفات و دیگر مشخصاتش بدست نماند

(ص ۴۶۴ عم و ۱۷ ح ۵ دریمه)

دهقان^۱

دهقان ابراهیم دهقان - شرح حالش موکول بعلم رجال است
 دهقان ابوالفتح جان - ار شعرای عهد ناصرالدین شاه و مطهرالدین شاه
 قاجار، ار اهالی قریهٔ سامان نامی در شمال عربی چهارمحال
 بختیاری در سمت عربی اصفهان میباشد اشعارش عالی و کتاب الف لیلة را بنام میرزا
 سلیمان خان شیرازی ملقب بر کن الملک پارسی نظم کرده و شمارهٔ ایانش در حدود پنجاه
 هزار بیت و دارای فصاحت بنام بوده و در بهران چاپ شده و در دیباچهٔ آن در حق میرزا
 سلیمان خان مذکور گوید

حکمران عراق و اصفهان	آصف با صفا سلیمان خان
صاحب السیف و القلم باشد	خون ر تیع و در ار قلم باشد
با حسین عادل پدید آید	رورگاران و قسرها باید
ثانی اثین صاحب عباد	معدن خود و صدق و کان مراد
شد مشوق مرا و دل درداد	او به سیمرخ همة م پردازد
بائ بلبل بو این گاستارا	که بگو این هزار دستارا
راستی او سروده است به من	نظم این نامه و کتاب کهن

دهقان سال ۱۳۲۶ هـ قمری (عشکو) درگذشت

(الملاعات خارجی و دماحة خود آن کتاب)

دهقان اسمعیل بن سهل و ابراهیم و حمید بن زیاد و داود بن یحیی و
 عیدالله بن عبدالله و عروة بن یحیی و علی بن اسمعیل و علی بن
 یحیی برادر عروة مذکور و محمد بن علی بن فصل مصطلح علمای رجال بوده و ترجمهٔ حال

۱- دهقان - نکسر و صم اول، معرب دهگان، بادهقان، بمعنی صاحب دبه و سلطان القرنة
 است در مصباح المسر گوید دهقان تاجر و صاحب ملک و مال و رئیس قرنه را گویند در
 قطر المحيط مسوسد، دهقان تاجر و رئیس اقلیم و رئیس فلاحان عجم و شخص قادر تصرف را
 اطلاق میکنند بمعنی از موصوفین یا معروضین بدهقان را تدکر میدهد

ایشان موکول بدان علم است و در صورت نبودن قریبه منصرف بعروة و محمد بن صالح و یا فقط عروة است

بهر موده بنیح المقال (بدون ذکر حرکه و وحدت) لعاب علی

دهقی

بن محمد بن قهب بن ولید است تحقیق شرح حال و دیگر

مراتب موکول بکتب رجال میباشد

سیدانوالعاسم

دهگردی

حسیسی ، ار

اکابر علمای امامیه عصر حاضر ما است

که ار تلامذه حاج میرزا محمد حسن

سیرازی و سیح بن العابدین مارندرابی

و حاجی میرزا حسین نوری بوده و

ار تألیفات او است

۱- حاشیه تفسیر صافی ۲- حاشیه

وافی ۳- رساله ای در قصص ۴- الوسيله

در سیر و سلوک او ار مسابح روایت

آقای سید شهاب الدین مرسل قم معروف

با آقای بجمعی بوده و این بر حمد بیر موافق

تقریر آن صدیق اعظم نگاشته آمد



عکس سیدانوالعاسم دهگردی - ۱۶

امیر خسرو - بهمین عنوان نگارش داده ایم

دهلوی

حسن بن علی - سحرری دهاوی، مکتب سحیم الدین، معروف بحواحه

دهلوی

حسن ، ار فصلائی شعرا و عرفای قرن هشتم هجرت میباشد ، با

امیر خسرو دهاوی قوی معاصر بود ، در بنیادیت حال باوائی مکرد و عافیت حسب الاساره

امیر خسرو در سلك ارباب ساوک مسلک گردید ، حنا بعد آزار استعداد و فانیست در وی

مشاهده کرده و قصیه را مشیخ نظام الدین اولیا عرصه داشت، شیخ چیری نگفت و لکن
حس را حال نگردید، درد طلب حق دامن گیرش شد و بحاقه شیخ آمده و بونه کرده
و دست ارادت داد از اینجا استکشاف میشود که نظیر مردان حداکیمیایتر میباشد
آنرا که ندانیم که او قابل عشق است
و از اسعار دهلوی است

مدعی ای گفت به لیلی نظر
لیلی از این حال بحدید و گفت
رو که سی چانک و مورون نه ای
با بو چه گویم که تو محزون نه ای

در عرلی علاقه خود را بحاواده عصمت آشکار کرده و گوید

آراد شد دل حس، از بند هر عمی
کو بنده محمد و آل محمد است

دیوان او هنوز چاپ نشده و یک نسخه خطی آن شماره ۱۹۰ در کتابخانه مدرسه سپهسالار
بهران موجود است و در سال ۷۰۷ یا ۷۲۷ قمری (در یا ذکر) در دیوگیر یا دولت آباد هند
درگذشت (ص ۴۸ محل و ۳۱۶ ص و ۵۸۶ ح ۲ فهرست مدرسه سپهسالار)

دهلوی میرزا محمد بن عنایت احمد خان - بعنوان علامه دهلوی خواهد آمد

دهمان مصطلح رحال بوده و رجوع بدحمان نماید

دهن الحضا حسین بن هبة الله صیاء الدین - مکنسی یا نوعلی، ملقب بدهن الحضا،

از نحویین اوائل قرن هفتم هجرت میباشد، ادب شاعر متعسف
و تدریس علوم عربیه اشتغال داشت، اخیراً در حلب متصدی تدریس شد و در برد صاحب
حلب مقرب بوده و از او است

یتهع الناس ناعادهم

و انما عظم سروری بها

اروبها حولا الی فاسل

در سال ۶۰۸ قمری (حج) درگذشت (ص ۱۷۸ ح ۱۰ حم)

صم اول، در اصطلاح رحالی، لقب عقار بن حباب، قیس بن

یعقوب، محمد بن حسن، معاویه بن عقار بن معاویه، یوسف

دهسی

بن یعقوب ، یوس بن یعقوب و حمعی دیگر میباشد و شرح حال ایشان موکول بکتاب
رحالیته است و بست دهی بقبیله سی دهن بن معاویه بن اسلم میباشد که از بطون قبیله بحیله است

دیار بگری **حسن** - رجوع بدیار بگری حسین مدکور در دیل شود

دیار بگری **حسین بن محمد بن حسن** - مالکی، قاصی مکنه وارتالیفات او است
۱- الحمیس فی احوال العس النیس فی السیره السویه

که در قاهره چاپ و ساریح حمیسی معروف و بیک مقدمه و سدر کن و بیک حاتمه مشتمل
میباشد ، مقدمه در حلفت نور حضرت رسالت ص ، رکن اول از ولادت تا بعثت ، دویمی
از بعثت تا هجرت ، سومی از هجرت تا وفات آن حضرت و حاتمه در حلفای اربعه و
سی امیه و سی عباس و سلاطین دیگر تا حلوس سلطان مراد ثالث (۹۸۲-۱۰۰۳ هجری)
۲- مساحت کعبه و مسجد الحرام و بیک سححه خطی آن تا حید رساله خطی دیگر صاحب
بر حمة در بیک مجموعه در کتابخانه مصر موجود است وی در حدود سال ۹۶۰ یا ۹۶۶ تا ۹۸۲ ه ق
در مکنه وفات یافت و نام صاحب بر حمة بفرموده آقای بحی معاصر بریل فیم، حسن است
دیار بگری- بلادی است وسیع و بسیار مشهور که نه سی بگری وائل بست دارد
(کف وهب و بی وص ۸۹۷ مط)

دساج **اسمعیل بن ابراهیم بن حسن منی** ، بن حسن سبط ، بن علی بن

ایطالب ع شرح حالس موکول بکتاب رحالیته میباشد اسمعیل

مدکور بدر ابراهیم طباطبا حد عالی سادات طباطبائی است و رجوع بعنوان طباطباهم سود

دساج **فاسم بن محمد انی بگری** - در ضمن عنوان فهای سعه خواهد آمد

دساجه **محمد بن امام جعفر صادق ع** - که بجهت حسن و جمال ملبس بهمین

لقب و بسیار سجاج و عاند بود ، بک رور روره داشتند و بک رور

هم افطار میکرد ، سال ۱۹۹ ه ق (فسط) بمأمون عباسی داشت شیر حروح کرده و ریدیه

و خارودیه تابع وی گردیدند ، بس سیسی جلودی، از طرف مأمون بمارره وی مأمور

سد و جمعیتش را پراکنده کرد و خودس را برد مأمون فرساده بعد از ملاقات مررد

اکرام و انعام مأمون گردید، در حراسان اقامت کرد تا در آنجا وفات یافت محمد در حروح کردن شمشیر بعقیده حارودینه ریدینه می رفته است (مجمع البحرین و کتب رحالیه)

حسن بن محمد، سهل بن احمد بن عبدالله، مطهر بن ابی القاسم

د باحی

و بعض دیگر مصطلح علمای رحال بوده و رجوع بدان علم شود

عبدالسلام بن رعمان بن عبدالسلام بن حبیب - ملقب بديك الحسن،

د نك الحسن

مکئی با نومحمد، اصلش از مونه، ولادت و اقامتش در حمص،

شاعری است مشهور شیعی از شعرای عهد عباسی که دوستدار حاواده عصمت و اشعارش

در عایت فصاحت و حدودت میباشد، مرثیاتی بسیاری در حق حضرت حسن بن علی ع گفته و

در سال ۲۳۵ یا ۲۳۶ ه قمری (رله یارلو) در گذشت او کبیرکی داشته دیبار نام، آن کبیرک

را با اعلام وصیف نام خود متهم داشته و بقتلش آورد، پس نادم شده و عریات بسیاری

در باره وی گمت ار آن حملد است

فطلت الهم بحر ارايه الحيد

حائت ترور فراشی بعد ماقرت

فكيف دا وطريق العصر مسدود

و فلت قره عيسى قد بعثت لنا

تعيت فيها نبات الارض والدود

قالت هناك عطامي فيه مودعة

هدى رياره من في الصر ملخود

و هذه الروح قد حائتك رائرة

در محالس المؤمنین گوید ديك الحسن شاعری است مشهور آدمی که او را بمدائح حا بدان

سید شرمندی، این حدیث از قصیده ایست که در مرثیه حضرت امام حسین ع گفته است

متر مالا بد مائه برمیلا

حائوا برأسك يا ابن بنت محمد

في قتلک التریبل والتأویلا

فتلوك عطشانا و لم يترقبوا

قتلوا نك التکیر والتهللا

و نكروون بان قتلت و انما

لکن در محالس، از اسم و رمان ديك الحسن، حیرتی بگفته و احتمال تعددهم بعید است

(ص ۳۱۲ ح ۱ ک و ۲۵ ح ۲ ع و ۱۳۷ ه و ۲۳۳ لس)

سر راه محمد - محشی شرح لمعه و معروف بدیلماح، حاشیه

د نلماح

مدکور او بیر بحاشیه دیلماح مشهور است، سحه آن در حد حا

ار کتابخانه های خصوصی تریر موجود میباشد، همور مستعلا حا ب نگردنده بلی مقداری

ارآن در حاشیه بعضی از نسخ شرح لمعه چاپ شده است ، دیگر مرایای دیلمی در دست بیامد از بعضی افاضل عصر مسموع افتاد که از علمای عهد صفویه بوده و از قرار آنکه علامه متتبع شهیر درص ۹۶ ح ۶ در ریعه باسم و لقب و حاشیه مذکوره دیلمی اکتفا کرده و طبقه و تاریخ و دیگر مرایای او را ذکر فرموده معلوم میشود که او پیر بچیری را بد اطلاع بیافته است

آقا حسین بن ملاحس - بعنوان لسانی خواهد آمد و رجوع
د دیلمی هم شود

د دیلمی

دیلمی^۱

امیر کیکاوس - بعنوان طبری خواهد آمد

د دیلمی

حس بن ابی الحسن محمد ، نایب الحسن بن محمد دیلمی ، مکتبی

د دیلمی

ما یوم محمد ، عالم عارف و اعظم معروف ، از اکابر محدثین امامیه

میشود که نوشته بعضی ، با علامه حلی (متوفی سال ۷۲۷ هـ ق) معاصر بوده و لکن روایت

کردن آن عهد (متوفی سال ۸۴۱ هـ ق) از او ، معاصر بودن ناشیید اول (متوفی سال ۷۸۶ هـ)

و حرالمحققین (متوفی سال ۷۷۱ هـ ق) را نائید میباید ، چنانکه دیگران نوشته اند

در ریعه پیر از فقرات کتاب عررالاحبار دیلمی استظهار نموده است که تألیف آن در او اسط

۱- دیلمی - بفتح اول و سوم منسوب است بفرقه دیلم از حدود عجم و گروهی است که

در حال دیلم نام ، مابین قروین و گیلان سکونت دارند جمع دیلمی بر خلاف قیاس معمولی

دبالمه بوده و سلسله ملوک دیلمه (آل بویه) بر آن اسان مناسبت لفظ دیلمی نام گروهی هم هست

در مکه نزدیک مروه دیلمسان هم دیده است دریه فرسجی شهر زور که در ایام سوکت فرس

(ساسان) لشکر گاه گروه دیلم بوده است دیلمان که زبان پارسی جمع دیلم میباشند دیده

است در اصفهان قریب حران ، ناری در ایبجا بعضی از معروفین یا موصوفین بهمین عنوان دیلمی

را تذکر میدهد در اصطلاح فقها و علمای رجال ، در صورت اطلاق و عدم قرینه ، بحسب بن

ابی الحسن و حمرة بن عبدالعزیز و محمد بن سلیمان منصور است ، ماهم شرح حال آخری را

بکتاب رجاله موکول داشته و شرح حال احمالی اولی را در بدل نگارین مندهم و دومی را بر

بعنوان سلاز خواهد نگاشت

قرن هشتم بوده و این بیر معاصر بودن با شهید را تأیید میماند و از تألیفات دیلمی است
 ۱- الاربعون حدیثاً ۲- ارشاد القلوب الی الصواب المحی من عمل به من الیم العقاب
 در دو مجلد که در ایران و بمبئی چاپ و محل اعتماد مجلسی و شیخ حر عاملی بوده و در
 بحار و وسائل از آن بسیار نقل کرده و سید علی حان مدنی شیرازی بیر در مدح آن کتاب گوید

اذا صاقت قلوب عن هداها فلم تدر العقاب من الثواب
 فارشدها حراك الله حیرا بارشاد القلوب الی الصواب

انما

هدا کتاب فی معاينه حسن للديلمي ابي محمد الحسن
 اشهى الی المصی العلیل من الشما والذی العیین من عمص الوس

۳- اعلام الدین فی صعوات المؤمنین ۴- تفسیر قرآن حناحیه بعضی گفته و هم از آن نقل
 نمایند که وقتی حضرت رسالت مآبی ص از اسرافیل پرسید که آن در کلمات خداوندی کلامی
 پارسی هست یا نه؟ عرصه داشت وقتی این کلام رجا انجام ، بگوش هوش مقرران درگاه
 الهی رسیده است چون کم نا این مشت حاک ستمکاران حرآنکه با مردم این روایت از
 کسکول سیح بهائی بیر نقل شده و خود این نگارنده بیر در دیباجة فرهنگ چپانگیری
 دینام در ص ۵۱۷ ح ۱ در ریة فرماید که صاحب ترجمه غیر از حسن بن ابی الحسن دیلمی
 مفسر است که علامه کراچکی (متوفی سال ۴۴۹ هـ قمری) در کتاب کبر الفوائد خود از
 تفسیر او نقل میماند

د یلمی حنیث - بر حمة حاش موکول بعلم رجال است

د یلمی حمرة بن عبد العزیر - بعنوان سالار خواهد آمد

د یلمی خسرو فرور - شرح حاش موکول بعلم رجال است

د یلمی سررشد - ملقب بحلیة اعظم، حواهر راده میر عماد حوش نویس
 بود ، در انواع علوم و فصائل بهره کافی داشت، در کتب میر عماد

در حسن حظ بمقامی عالی رسید ، چون میر عماد حناحیه خواهد آمد مقتول شد بیستر
 مسوون او متواری و من حمله رشید بیر تا سه ماه سپان بود ، گویند در این مدت بهائی

دوارده سد کاعد سمرقندی نگاشته و عاقبت بهندوسان رفت و در کشمیر ماند تا در سال ۱۰۴۸ هجری قمری (عمح) درگذشت (ص ۱۵۷ پیداش خط و خطاطان)

د دلمی

سلیمان - ترجمه حالش موکول به علم رجال است

د دلمی

شیرویه بن شهرداد - یا شهردار بن شیرویه بن سبا حسرو همدانی،
دیلمی، موصوف بحافظ، مکنی باوشجاع، از افاضل عصر

خود بوده وار تألیفات او است

۱- ریاض الانس فی معرفة احوال النبی ص و تاریخ الخلفاء، یک سجد ار آن که

تاریخ (۵۸۵ ه) از روی اصل نسخه خط خود مؤلف بخط محمد بن عبدالملک نوشته شده

در حرانه مصر موجود میباشد ۲- فردوس الاحبار که حاوی ده هزار حدیث میباشد و

حلال الدین سیوطی جامع صغیر خود را بروش آن تألیف داده است شیرویه در سال ۵۰۹ ه

قمری (نط) درگذشت (ص ۱۳۷ ه و ۸ تذکره النوادر)

د دلمی

فیروز - از فارسیانی بود که از طرف نوشیروان صوب یمین معون

بودند و ایشانرا از آن سامان طرد نمودند، اسود بن کعب متنبی

هم در یمین بدست فیروز مقتول شد و حضرت رسالت ص فرمودند قتله الرجل الصالح

فیروز الدیلمی احادیث بسیاری از آن حضرت روایت کرده و در زمان خلافت عثمان

درگذشت و بواسطه اینکه در یمین، در قبیله حمیر نازل شده بوده او را حمیری نیز گویند

(ص ۱۴۶ ه)

د دلمی

ناصر بن حسین بن محمد - مکنی باوالفتح، سب او با یارده

واسطه حضرت امام حسن مجتبی ع موصول میشود، تفسیری

بر قرآن نوشته که تفسیر ابوالفتح دلمی موسوم، دارای چهار مجلد، حاوی عرائف

مستحسنه و علوم عجیبه میباشد در سال ۴۳۰ ه از دیلم یمین رفته و پیام کرد،

در بلاد مدح مشغول محاربه بوده تا در سال ۴۴۴ ه قمری (همد) مقتول گردید

(ص ۲۵۵ ح ۴ دریعه)

د دلمی

یحیی بن زیاد - نعمان فرآء خواهد آمد